

تبیین نقش متغیرهای بوم‌شناسی در حیات شهر اسلامی جیرفت

سعید امیرحاجلو

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه جیرفت

S.hajloo@ujiroft.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۹/۲۴
(از ص ۱۷۳ تا ۱۹۲)

چکیده

شهر اسلامی جیرفت^۱ از سکونت‌گاه‌های راه‌بُردی در حوزه فرهنگی هلیل‌رود و جازموریان در فاصله‌ی سده‌ی نخست تا هشتم هـ.ق. بوده است. گستره‌ی پراکندگی مواد فرهنگی در این شهر نشان از آبادانی، رونق و اهمیت آن در ایالت کرمان دارد؛ چنان‌که وسعت آن با شهرهای نام‌دار آن زمان مانند ری، نیشابور و اصفهان برابری می‌کرده است. پرسش اصلی این است که چه متغیرهای محیطی بر شکل‌گیری، گسترش و تخریب شهر کهن جیرفت در سده‌های نخست تا هشتم هـ.ق. اثر گذاشته است؟ فرضیات این پژوهش، با استناد به یافته‌های بررسی‌های میدانی باستان‌شناسی و ره‌یافته‌های تاریخی در مطالعه منابع مکتوب نقد و بررسی شده‌اند. سپس تحلیل و استدلال بر پایه نظریه بوم‌شناسی «کنت وات» صورت گرفته و نقش پنج متغیر: ماده، انرژی، تنوع، فضا و زمان در سه فاز شکل‌گیری، گسترش و تخریب شهر مطالعه شده است. بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی شهر جیرفت از آغاز اسلام تا سده‌ی چهارم هـ.ق.، شهری متوسط در ایالت کرمان بود و گسترش آن از سده چهارم هـ.ق. آغاز شد. به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین علت گسترش جیرفت، تغییر مسیر ارتباطی میان سواحل خلیج فارس و شمال کشور بود؛ زیرا تا این زمان، جزایر قیس (کیش) و سیراف بندرگاه‌های مهم خلیج فارس بودند و راه اصلی بازرگانی از این دو جزیره به سیرجان و سپس نواحی شمالی می‌رفت؛ در حالی‌که از سده چهارم هـ.ق. با تغییر کرسی ایالت کرمان از سیرجان به بردسیر و اهمیت یافتن بندر هرمز به‌جای کیس و سیراف، راه ارتباطی هرمز - جیرفت - بردسیر به نواحی شمالی رونق بیشتری یافت و جیرفت به انبار کالاهای وارداتی و واسطه تجاری تبدیل شد. در پی آن توجه حکام سلجوقی کرمان به جیرفت معطوف و به‌عنوان پایتخت زمستانی آن‌ها برگزیده شد. هم‌چنین وجود منابع و معادنی که مواد اولیه کالاهای صادراتی را تأمین می‌کرد، گسترش بیشتر آن را در پی داشت. پس از آن با درگیری‌های حکام فارس، شبانکاره و غزها، جیرفت برای مدتی نقش راه‌بُردی خود را از دست داد؛ اما در دوران قراختائیان رونق گذشته را بازیافت. پس از آن در دوران تیموریان با کاهش اهمیت مسیر هرمز - جیرفت، به‌تدریج این شهر متروک شد. **کلیدواژگان:** توسعه و تخریب، شهرهای تاریخی، شهر اسلامی جیرفت، حوزه فرهنگی هلیل‌رود.

۱. «شهر دقیانوس»؛ به دلیل نادرستی این انتساب به دقیانوس، در این مقاله از اصطلاح «شهر اسلامی جیرفت» استفاده شده است.

مقدمه

بر پایه بررسی‌های باستان‌شناسی، حوزه فرهنگی - جغرافیایی جیرفت دست‌کم از دوران نوسنگی بستری مناسب برای استقرارهای انسانی بوده و پس از آن، هسته‌های تمدن از آغاز شهرنشینی تا دوران اسلامی در این حوزه شکل گرفته‌اند. یکی از مراکز شهری دوران اسلامی در این حوزه شهر کهن جیرفت است که به مرکزی راه‌بردی در مبادلات بازرگانی جنوب کشور بدل شده بود. پراکندگی مواد فرهنگی سطحی در این شهر نشان از آبادانی، رونق و اهمیت آن در میان شهرهای ایالت کرمان دارد؛ آن‌چنان‌که از یافته‌های باستان‌شناختی و منابع مکتوب بر می‌آید، تقریباً از سده‌های میانی اسلامی ترک و تخریب جیرفت کهن آغاز و از سده هشتم هـ.ق. متروک شده است. پس از آن، شهر جدید جیرفت در اوایل سده چهاردهم هـ.ش. پایه‌گذاری شد و گسترش یافت. پرسش اصلی مقاله، این است که روند شکل‌گیری، گسترش و تخریب شهر اسلامی جیرفت از سده نخست تا هشتم هـ.ق. از چه عوامل محیطی اثر پذیرفته است؟ هدف از این پژوهش، تبیین نقش بسترهای بوم‌شناسی^۱ در شکل‌گیری، گسترش و تخریب شهر اسلامی جیرفت و شناخت روند تحولات فرهنگی و تاریخی حوزه هلیل‌رود در دوران اسلامی است. داده‌های پژوهش به روش اسنادی گردآوری شده و فرضیات پژوهش، با استناد به یافته‌های بررسی‌های میدانی باستان‌شناسی و ره‌یافته‌های تاریخی در مطالعه منابع مکتوب نقد و بررسی شده‌اند؛ سپس تحلیل و استدلال بر پایه نظریه بوم‌شناسی «کنت وات» صورت گرفته و نقش پنج متغیر: ماده، انرژی، تنوع، فضا و زمان در سه فاز: شکل‌گیری، گسترش و تخریب شهر مطالعه شده است.

پیشینه پژوهش

فعالیت‌های باستان‌شناسی در حوزه فرهنگی جیرفت با بررسی "سر اورل استین" در سال ۱۳۱۵ هـ.ش. آغاز شد (Stein, 1937) و پس از آن فعالیت‌های مهمی در این حوزه صورت گرفت؛ اما همانند بررسی استین، بخش عمده‌ای از این فعالیت‌ها با رویکرد بررسی، شناسایی و معرفی به انجام رسیده است. بررسی "علی‌اکبر سرفراز" در سال ۱۳۴۷ هـ.ش. (معصومی، ۱۳۸۳: ۲۹۴-۲۹۲)، بررسی فراگیر "سیدمنصور سیدسجادی" در جنوب شرق ایران و دشت جیرفت از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۶۴ هـ.ش. و بررسی آبیان در سواحل هلیل‌رود از دیگر فعالیت‌های میدانی در این حوزه فرهنگی هستند (چوبک، ۱۳۸۳ الف: ۱۱). هم‌چنین بررسی‌های باستان‌شناسی رودبار (دهقان، ۱۳۸۲)، سرشاخه‌های هلیل‌رود (توفیق‌یان، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳)، ساردویه (علیدادی‌سلیمانی، ۱۳۸۳)، اسفندقه (علیدادی‌سلیمانی، ۱۳۸۵)، بخش مرکزی جیرفت (دانشی، ۱۳۸۸) و رودبار جنوب (دانشی، ۱۳۹۱) به شناسایی آثاری از پیش از تاریخ تا دوران اسلامی در حوزه فرهنگی هلیل‌رود انجامیده است. اهمیت این فعالیت‌ها در تدوین فهرست و ترسیم نقشه‌ای از آثار حوزه هلیل‌رود است و در قالب گزارش‌هایی هدفمند و پرسش‌محور ارائه شده‌اند؛ اما این پرسش‌ها اغلب از نوع «پرسش‌های توصیفی» بوده‌اند و در میان آن‌ها پرسش‌های «علی» کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. از مهم‌ترین کاوش‌های باستان‌شناسی در این حوزه فرهنگی نیز می‌توان به

۱. Ecology: مطالعه موجود زنده در زیستگاه یا محیط اطرافش (امبرلین، ۱۳۷۷: ۲۳).

کاوش‌های گورستان کنارو توسط "مهدی رهبر"، گورستان بندجلال رمشک (چوبک، ۱۳۸۳)، ریگ انبار (چوبک، ۱۳۸۱)، کاوش در تپه‌های شمالی و جنوبی کنارصندل (Madjidzadeh, 2003)، کاوش گورستان محطوط‌آباد کنارصندل (علیدادی‌سلیمانی و ویداله، ۱۳۸۷) و کاوش‌های شهر اسلامی جیرفت (چوبک، ۱۳۸۳) اشاره کرد. برخی عناصر فضایی شهر اسلامی جیرفت و شواهد فرهنگی آن، در رساله دکتری "حمیده چوبک" با عنوان: «تسلسل فرهنگی جازموریان - شهر کهن جیرفت در دوره اسلامی» معرفی شده است (چوبک، ۱۳۸۳ الف). این رساله که بر پایه داده‌های کاوش‌های باستان‌شناسی در شهر قدیم جیرفت تدوین شده، مهم‌ترین پژوهش حوزه فرهنگی جیرفت در دوران اسلامی است و با رویکردی توصیفی، به بیان شواهد و توالی فرهنگی شهر اسلامی جیرفت پرداخته است؛ هم‌چنین، حمیده چوبک در مقاله دیگری به تبیین برخی ویژگی‌های جغرافیایی در حوزه جازموریان - در سه استان کرمان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان - و تأثیر آن بر شکل‌گیری فرهنگ‌های این منطقه پرداخته است. از ویژگی‌های مقاله مذکور، پرداختن به تمام ادوار تاریخی از پارینه‌سنگی تا اسلامی در محدوده جغرافیایی بسیار وسیعی است که نتیجه‌گیری‌های مهم و کلی را در پی داشته است (چوبک، ۱۳۸۳ ب: ۶۷-۳۱). حمیده چوبک در مقاله‌ای دیگر، به معرفی سفالینه‌های شهر قدیم جیرفت پرداخته و آن‌ها را از منظر فنی و هنری گونه‌شناسی کرده است (چوبک، ۱۳۹۱: ۱۱۲-۸۳). بنابراین مهم‌ترین پژوهش‌ها و فعالیت‌های میدانی در «محوطه‌های دوران اسلامی» جیرفت، اغلب بر شناسایی، معرفی، توصیف و گونه‌شناسی آثار و مواد فرهنگی تمرکز داشته‌اند. این در حالی است که دلایل شکل‌یابی، گسترش و تخریب شهر اسلامی جیرفت از منظر بسترهای جغرافیایی و متغیرهای پنج‌گانه در نظریه بوم‌شناسی "کنت وات" تاکنون پژوهش نشده است. مطالعه‌ی روند حیات شهرهای ایران بر پایه‌ی متغیرهای پنج‌گانه‌ی بوم‌شناسی، قبلاً تنها در مقاله‌ای درباره‌ی شهرهای ناحیه شمالی اصفهان و اقامت‌گاه‌های سلطنتی میان‌راهی آن مطالعه و تبیین شده است (امیرحاجلو، ۱۳۹۱). مقاله حاضر، نخستین تلاش به منظور تبیین نقش این عوامل در سه مرحله شکل‌گیری، گسترش و تخریب شهر اسلامی جیرفت است.

روش پژوهش

گردآوری داده‌ها در این پژوهش به شیوه‌ی «اسنادی» و بر پایه‌ی «منابع مکتوب تاریخی» و «پژوهش‌ها و گزارش‌های معاصر» صورت گرفته است. بر این اساس، ابتدا داده‌ها از منابع تاریخی و جغرافیایی، منابع معاصر و گزارش‌های کاوش در محوطه گردآوری شده، سپس تدوین و پردازش داده‌ها صورت گرفته و با شواهد امروزی در سطح محوطه و هم‌چنین با وضعیت اقلیمی و جغرافیایی منطقه مطابقت داده شده است. سپس تحلیل و استدلال بر پایه نظریه بوم‌شناسی «کنت وات» صورت گرفته و نقش پنج متغیر: ماده، انرژی، تنوع، فضا و زمان در سه فاز: شکل‌گیری، گسترش و تخریب این شهر مطالعه شده است. روش تحلیل در برخی داده‌ها به شیوه استقرایی بوده و در پاره‌ای دیگر، مقایسه تطبیقی صورت گرفته است.

مبانی نظری؛ باستان‌شناسی پهن‌دشت و رویکردهای بوم‌شناختی

«پهن‌دشت» به معنای مجموعه‌ای از نقاط دارای نشان و روابط میان آن نقاط است که به صورت گذرگاه‌های شبکه‌ای به هم متصل هستند (نیکنامی، ۱۳۸۵: ۱۹). به عبارت بهتر، پهن‌دشت مجموعه‌ای از مکان‌ها و فضاهای مرتبط با هم است که هر تغییر در یک نقطه از آن، سبب تغییراتی در دیگر نقاط می‌شود. مطالعات باستان‌شناسی پهن‌دشت، مبتنی بر مطالعه تغییرات شکل زمین، فرایندهای محیطی و جغرافیایی، شیوه‌های مختلف بهره‌وری از زمین در طول زمان، مطالعه تأثیر عوامل گوناگون در تخریب، جابه‌جایی و تغییر شکل عوامل فرهنگی سطحی است. در این گرایش، پویایی محیط فیزیکی، یک اصل مسلم در تغییرات محیطی و آثار فرهنگی شناخته شده است و مدارک باستان‌شناختی در هر لحظه، تحت تأثیر عوامل ژئومورفیک قرار دارند (همان: ۱۸).

در این دیدگاه، تأکید بر مبانی بوم‌شناختی اهمیت بسیاری دارد و بسیاری از فرایندهای شکل‌گیری، گسترش، تداوم و تخریب استقرارهای انسانی در بستر تحولات زیست‌بوم توجیه می‌شوند؛ زیرا کنش‌ها و پیوندهای عمیقی میان تحولات پهنه‌ها و بسترهای محیطی، نوسانات آب و هوایی و فعالیت‌های بشر وجود دارد که توجه به آن‌ها در تفاسیر باستان‌شناختی اجتناب‌ناپذیر است (Rapp & Hill, 1998: 86). این شبکه در هم تنیده تعاملات انسان - محیط، الگوهای استقرار را تبیین می‌کند که در مطالعات باستان‌شناسی نقش مهمی در شناخت روندهای فرهنگی دارد (Butzer, 1980: 419). از سوی دیگر، گاه انسان با ابداع فنون، بر شرایط محیطی غلبه و محیط را با زندگی خود سازگار می‌کند. این مسأله، محیط را به‌عنوان عرصه‌ای فرهنگی معرفی می‌نماید که از عوامل انسانی نیز اثر می‌پذیرد (Thomas, 2001: 165).

"کنت وات" (۱۳۸۶)، متغیرهای محیطی مؤثر بر سکونت‌گاه‌ها را در پنج گروه: ماده، انرژی، تنوع، زمان و فضا تقسیم کرده که این تقسیم‌بندی به دلیل جامعیت، در این مقاله نیز مورد توجه قرار گرفته است (وات، ۱۳۸۶: ۹۶).

ماده: منابع آب، خاک مستعد برای کشاورزی، مواد معدنی و هوای مساعد، تأمین‌کننده اصلی‌ترین نیازهای اولیه انسانی در هر استقرار است (همان: ۷۲-۶۷). یک سکونت‌گاه در جایی شکل می‌گیرد که بیشترین دسترسی را به مواد مورد نیاز فراهم کند (Green, 1997: 52). نمونه‌ای از این تأثیر را می‌توان در شهرها و روستاهای حاشیه رودخانه‌های بزرگ و کوچک و واقع در دشت‌ها و اقلیم‌های پرباران مشاهده کرد.

انرژی: تمامی فعالیت‌های جان‌داران نیازمند انرژی است و میزان فعالیت یک جان‌دار، بستگی به میزان انرژی دارد که می‌تواند آن را مصرف کند (Trivedi & Raj, 1992: 46). یکی از مهم‌ترین منابع انرژی در نواحی گرم و خشک، انرژی هس. است که نیروی محرکه زیست‌بوم دانسته می‌شود و بر رشد و زمان رسیدن محصولات کشاورزی و گیاهان، میزان تبخیر و تعریق، درجه حرارت و میزان رطوبت اثرگذار است (Ibid: 47-48). اما گاه انرژی نور به‌عنوان یک عامل محدودکننده عمل می‌کند. مقادیر بسیار زیاد نور به بافت‌ها صدمه وارد می‌کند و گاه حیات را به مخاطره می‌اندازد (امبرلین، ۱۳۷۷: ۱۴۶). انرژی را می‌توان در پدیده‌ای مانند باد

نیز بررسی کرد. سرعت و جهت باد علاوه‌بر نقش آن در افزایش تبخیر می‌تواند در دمای بالا عامل آسایش محسوب شود؛ ولی با توجه به نقش فرسایشی آن، در درازمدت اثرات منفی نیز در پی دارد (شفقی، ۱۳۸۱: ۶۴-۶۳). میزان تبخیر نیز مستقیماً بر نوع محصولات و فعالیت‌های کشاورزی، روش‌های آبیاری و همچنین نوع فعالیت‌های معماری و مصالح ساختمان مؤثر است.

تنوع: گوناگونی پوشش گیاهی و گونه‌های جانوری که خود، به متغیرهای دیگر از جمله مساحت، انزوای جغرافیایی و غنای محیطی بستگی دارد، بر سکونت‌های انسانی اثرگذار است (وات، ۱۳۸۶: ۹۴). فراهم بودن محیطی مناسب برای شکار گونه‌های جانوری، مواد غذایی متنوع گیاهی و تنوع منابع، امکان گسترش یک سکونت‌گاه را برای گروه‌های انسانی به‌وجود می‌آورد.

زمان: تأثیر متغیر بوم‌شناختی زمان بر سکونت‌ها را می‌توان در قالب زمان مورد نیاز برای رسیدن به منابع بررسی کرد (وات، ۱۳۸۶: ۹۱). در جوامع پیشرفته، به‌دلیل ابداع شیوه‌های نوین بهره‌برداری از منابع، تأثیر این عامل ناچیز است. در دوران پیش از تاریخ اغلب سکونت‌ها در نزدیکی منابع آب جاری شکل می‌گرفت؛ در حالی که در دوره‌های تاریخی حفر چاه، قنات و کانال‌کشی، دسترسی را به منابع آب در هر نقطه فراهم می‌کرد. افزون بر این، پیوندها و تعاملات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای موجب می‌شد در صورت عدم وجود منابع در نزدیکی سکونت، تأمین این منابع از طریق تبادلات و ورود کاروان‌های تجاری صورت گیرد.

فضا: فضا یک مفهوم انتزاعی است و از ارتباط مکان‌ها و صفات آن‌ها حاصل می‌شود (نیکنمایی، ۱۳۸۵: ۱۲). موقعیت قرارگیری یک سکونت، میزان فضا به نسبت هر فرد یا هر فعالیت، فواصل یک سکونت‌گاه از منابع (وات، ۱۳۸۶: ۸۳)، ارتفاع و شیب‌های مختلف (امبرلین، ۱۳۷۷: ۱۸۹)، وجود اراضی قابل آمایش، عبور راه‌ها و دسترسی آسان و نیز همجواری با مراکز سکونتی دیگر (دولفوس، ۱۳۷۳: ۳۱) ویژگی‌های یک سکونت‌گاه را تعیین می‌کند.

ویژگی‌های جغرافیایی جیرفت

شهر اسلامی جیرفت در کناره غربی شهر جدید جیرفت در استان کرمان در کوه‌پایه‌های جنوبی بحرآسمان و جنوب‌غربی جبال‌بارز و جنوب‌شرقی سیاه‌کوه قرار دارد (نقشه‌های: ۱ و ۳). دشت جیرفت دارای اقلیم بیابانی گرم میانه و نسبتاً مرطوب است؛ اما نواحی مرتفع و کوهستانی آن دارای اقلیم معتدل، سرد و خشک است (فاریابی و درینی، ۱۳۸۹: ۱۸). رودخانه‌های اصلی و فرعی زیادی در این دشت جریان داشته و دارند که مهم‌ترین آن‌ها: هلیل‌رود، شور و ملنتی و رودخانه‌های کوچک‌تر شامل: سقدر، سگدز، دلفارد، قرقوتیه و رمون هستند (چوبک، ۱۳۸۳ الف: ۲۴)، (تصویر ۱). شاخه‌های فرعی که در مسیر هلیل‌رود به آن می‌پیوندند، عبارتند از: رابر، شصت‌پیچ، گودان، دهوج، آبشور اسفندقه، دهنه کمرکان، گوسک چونمان و کنارکی و تعدادی از شاخه‌های فرعی که در شهرستان کهنوج به هلیل‌رود می‌پیوندند و به جازموریان می‌ریزد (جعفری، ۱۳۷۶: ۲۷۶).

کمینه درجه حرارت ۲۷- درجه سانتی‌گراد در سرریژن و بیشینه‌ی آن ۴۹ درجه سانتی‌گراد در جنوب شهرستان جیرفت است (فاریابی و درینی، ۱۳۸۹: ۱۸).



نقشه ۱: موقعیت جیرفت در استان کرمان و ایران؛ محصور در میان کوه‌های شمالی، شرقی و غربی (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استانداری کرمان)، (نگارنده ۱۳۹۲). ◀



گونه‌های گیاهی این منطقه به سه گونه «گیاهان گرمسیری» در ارتفاع ۲۰۰ تا ۸۰۰ متر از سطح دریا، «گیاهان مدیترانه‌ای» در ارتفاع ۸۰۰ تا ۱۸۰۰ متر و «گیاهان سردسیری» در بلندترین ارتفاع یعنی ۱۸۰۰ تا ۳۲۰۰ از سطح دریا تقسیم می‌شوند. مراتع منطقه از چند نظر اهمیت دارند که می‌توان به تولید علوفه، حفاظت آب و خاک، جلوگیری از فرسایش آبی و بادی، کاهش سیلاب‌های فصلی، پاکیزگی هوا، تولید محصولات فرعی، ایجاد فضای سبز و تفرج‌گاه اشاره کرد (همان: ۱۹). در دشت جیرفت، سه نوع باد می‌وزد؛ الف) باد سرد شمالی موسوم به هورش؛ ب) باد گرم جنوبی موسوم به باد نمی؛ ج) باد جنوب غربی موسوم به کش‌باد یا کج‌باد (چوبک، ۱۳۸۳ الف: ۷۱).

جغرافیای تاریخی جیرفت

یعقوبی در «البلدان» به باغ‌های خرما، جوز، نرگس و نارنج و همچنین گردش‌گاه‌ها، کشت خربزه، گرمای زیاد با حشره‌هایی زیان‌بخش و پشه و مار در جیرفت اشاره کرده است (یعقوبی، ۱۳۴۲: ۳۶۲-۳۴۳). «مقدسی»، جیرفت را از ولایات سرود و جروم دانسته که هم محصولات گرمسیری مانند خرما و هم سردسیری مانند گردو داشته است. به گفته وی، جیرفت پر آب و خوش میوه بوده و نیل، زیره، معادن آهن، نقره، پانید، نیشکر و سنگ توتیا در آن فراوان بوده است. مقدسی، اشاره کرده که غرب جیرفت در فاصله کوه نقره تا دربانی (درفانی، دلفارد) سردسیر و پربرف است و یخ جیرفت از آن‌جا تأمین می‌شود. همچنین وی کوه‌های بارز را پر از درخت، آباد و تسخیرناپذیر توصیف کرده است (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۹۶). «اصطخری» بیان کرده جبالبارز، کوه‌هایی برف‌گیر و پر نعمت با معدن آهن و نقره دارد و از حدود جیرفت تا کوه نقره دو مرحله است. به گفته‌ی او دربای دره‌ای پر نعمت بوده و دیه‌ها و نزهت‌گاه‌های بسیاری داشته است. رودی بزرگ با آبی خروشان در آن جریان داشته که بیست آسیاب را می‌چرخانده است (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۴۲-۱۴۱). «ابن حوقل»، در «صوره‌الارض»، کوه‌های بارز را سردسیر، پربرف، با درختان بسیار، پر نعمت، دارای معادن آهن و نقره توصیف کرده است. به گفته‌ی او درفارد دره‌ای حاصل‌خیز و آبادان بوده و باغ‌ها و دیه‌ای باصفا داشته است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۷۶-۷۵). او از محلی به نام «میزان» در نزدیکی جیرفت نام برده است. ظاهراً

▲ تصویر ۱: عکس هوایی از بستر رودخانه هلیل‌رود در حاشیه‌ی شرقی شهر قدیم جیرفت (www.geography.kermanedu.ir).

میوه، هیزم و برف‌های جیرفت، عموماً از میزان و درفارد تأمین می‌شده است. بر طبق گفته‌ی وی در جیرفت رودخانه خروشان و تندسیری به نام «هری‌رود» جریان داشته که آب آن به اندازه ۵۰ آسیاب بوده است. او به تولید پانیذ (قند سفید)، کشت نیشکر، نیل و زیره در جیرفت و صادرات آن اشاره کرده است. به گفته‌ی ابن حوقل، رسم مردم جیرفت بر این بود که بادریخته‌های خرما را به فقیران و درماندگان می‌دادند (همان: ۷۸). در سال ۳۷۲ هـ.ق. وسعت شهر جیرفت حدود نیم فرسنگ در نیم فرسنگ و شهری آباد و پر نعمت بوده است (حدود العالم، ۱۳۷۲: ۳۶۷). در حدود العالم، به کوه‌هایی با نام «کوفج» اشاره شده که مسکن کوفچیان و جایی با نعمت بسیار، سخت و استوار بوده است؛ هم‌چنین از معادن سرب، مس و سنگ مغناطیسی در کوه بارجان در میانه‌ی جیرفت تا بم یاد شده است. نویسنده‌ی کتاب، به کوه دیگری به نام کوه «سیم» و معادن نقره‌ی آن اشاره کرده است (همان: ۱۳۲-۱۳۱).

در کتاب سلجوقیان و غز به پرنده‌ای خوراکی در جیرفت به نام «کیکو» اشاره شده است (ابن ابراهیم، ۱۳۴۳: ۴۹-۴۷). در سده هفتم هـ.ق.، «مارکوپولو» از جیرفت گذشته و شهر کامادی (یا قمادین؛ نام محله‌ای در جیرفت)، باغ‌های میوه شامل: انار، پسته، خرما، مزارع صیفی‌کاری، گندم‌زارها، گاوهای سفید بسیار بزرگ کوهان‌دار، قوچ‌های بزرگ، نوعی دراج با منقار سیاه و سفید و چنگال قرمز را توصیف نموده است. در زمان او، جیرفت جمعیت و ثروت گذشته‌ی خود را نداشته، زیرا تاتارها چند بار به آن یورش برده بودند (مارکوپولو، ۱۳۶۳: ۵۰-۴۵).

روند تاریخی حیات شهر جیرفت

اهمیت جیرفت در دوران صدراسلام به حدی بود که به گفته مورخان، یکی از ولایات پنج‌گانه‌ی ایالت کرمان به‌شمار می‌رفت. این شهر، یکبار در سال ۲۳ هـ.ق. در زمان عمر (طبری، ۱۳۸۳: ۱۵۵۱) و بار دیگر در زمان عثمان در سال ۳۱ هـ.ق. (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۶۶۰) به‌دست مسلمانان فتح شد. در سده اول هـ.ق.، از عمده‌ترین مراکز خوارج به‌شمار می‌رفت و تا سده سوم هـ.ق. محل نزاع مخالفان و حکومت مرکزی بود، تا این که «یعقوب لیث صفاری» و برادرش «عمر»، پس از سرکوب اهالی جیرفت و قوم کوفج، آن‌جا را در سال ۲۵۵ هـ.ق. تسخیر کرد و پس از آن بر آبادانی آن افزوده شد (ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۵۳۰).

جیرفت در سده چهارم هـ.ق.، بزرگ‌تر از اصطخر و بسیار آباد بود. دژی با چهار دروازه به نام‌های: شاپور، بم، سیرجان و مصلی داشت و دارای مسجد جامع، بازار، حمام‌های پاکیزه، میوه‌های سردسیری و گرم‌سیری چون خرما و جوز و ترنج و معادن بسیار، به‌ویژه نقره بود و در جوی‌های آن زر یافت می‌شد (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۸۸؛ حدود العالم، ۱۳۷۲: ۳۶۷). در منابع تاریخی از شهرهایی در ولایت جیرفت نام برده شده که عموماً به‌عنوان مراکز اقماری، نقش مهمی در خدمات‌رسانی به جیرفت داشتند؛ از جمله: رودبار یا رتوبارلس در راه جیرفت - میناب (مارکوپولو، ۱۳۶۳: ۴۰)، بلاشکرد و مغون یا فاریاب در جنوب‌غربی جیرفت (مقدسی، ۱۳۸۵: ۷۶)، خواش در جنوب‌شرقی، منوقان و جوی سلیمان در جنوب جیرفت (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۷۶-۷۸).

در اواسط سده چهارم هـ.ق.، معزالدوله و عضدالدوله دیلمی جیرفت را تصرف کردند و آن را به‌عنوان مرکز سیاسی زمستانی برگزیدند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۲: ۴۸۷۹-۴۸۷۸). پس از تضعیف آل‌بویه در سده پنجم هـ.ق. اقوام مهاجم کوفچ، جیرفت را غارت می‌کردند. در سال ۴۴۳ هـ.ق. "ملک قاورد" سلجوقی به جیرفت حمله کرد و مقاومت کوچ‌نشینان کوفچ را در هم شکست (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۵۶: ۱۲۳). وی پس از شکست این طوایف و تسلط بر عمان و سواحل خلیج فارس، امنیت را در جیرفت حاکم کرد و پایتخت زمستانی خود را در این شهر برگزید؛ هم‌چنین مسیر تجاری هرمز - جیرفت را بازسازی کرد و تسهیلاتی را برای کاروانیان و نظارت بر این مسیر ایجاد کرد که شامل: کاروانسراها، رباط‌ها، کاریزها و چاه‌ها بود (بارتولد، ۱۳۵۸: ۱۶۲). از سوی دیگر، مناره‌های بلند و ستون‌هایی از سنگ و خشت در فواصل مختلف برای راهنمایی کاروان‌ها ساخت (عباسی و امیری، ۱۳۹۰: ۳۰۳). مهاجرت "محمد درم‌کو" به هرمز و پایه‌گذاری حکومت ملوک هرمز در نیمه دوم سده پنجم هـ.ق. و افول تجارت سیراف، صحار و جدّه، منجر به تجدید قدرت اقتصادی هرمز شد. از سوی دیگر درگیری میان حکام فارس، کرمان و شبانکاره (دارابگرد) بر سر تصرف جاده‌های منتهی به سیراف منجر به افول سیراف شد؛ بنابراین، هرمز به‌عنوان ساحل بارانداز کرمان به‌تدریج جایگزین سیراف شد (همان). آبادانی جیرفت در دوره حکومت سلجوقیان، به‌ویژه در دوره "سلطان محمد فروزی" یافت و به‌دستور وی کاروانسراها، مساجد و مدارس بسیاری در این شهر ساخته شد (ابن‌ابراهیم، ۱۳۴۳: ۴۲). در این دوره برای نخستین‌بار از محله‌ای به‌نام «قمدین» در خارج از شهر جیرفت یاد شده که «خزینة متمولان و گنج‌خانه ارباب بضایع شرق و غرب» بود (بارتولد، ۱۳۵۸: ۱۶۵) و در آن بازرگانان خارجی مسکن داشتند.

جیرفت تا اواسط سده ششم هـ.ق.، شهری معتبر و ام‌القرای کرمان بود. اهمیت و رونق راه ارتباطی هرمز - جیرفت به حدی بود که کاروان‌هایی با سبب یا چهارصد شتر، به‌راحتی از این راه عبور می‌کردند و وارد قمدین می‌شدند (ابن‌ابراهیم، ۱۳۴۳: دوازده). ملوک سلجوقی کرمان در ماه آذر به جیرفت نقل مکان می‌کردند و به مدت پنج ماه در این پایتخت زمستانی به سر می‌بردند (همان: ۴۶). بعد از "ارسلا‌ن‌شاه" و جانشینان او دوران ضعف سلجوقیان آغاز شد. در سال ۵۶۲ هـ.ق. در پی شیوع بیماری و مرگ اهالی جیرفت، طغرل و ترکان و غلامان شهر را غارت کردند. پس از مرگ طغرل، درگیری‌های شدیدی در جیرفت به وقوع پیوست و این شهر در فاصله‌ی سال‌های ۵۶۶ تا ۵۷۷ هـ.ق. چندبار غارت شد (همان: ۱۲۹-۶۲) که ویرانی شهر را در پی داشت؛ مثلاً، "بهرام‌شاه" از اختلافات پدید آمده میان فرزندان طغرل بهره برد و پس از غارت قمدین، جیرفت و روستاهای آن را ویران نمود (همان: ۷۷). جنگ‌های داخلی پس از مرگ بهرام‌شاه نیز ادامه یافت و بار دیگر، "ایبک دراز" به قمدین حمله کرد (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۶۹)؛ هم‌چنین غزها در سال ۵۸۲ هـ.ق. به جیرفت حمله و آن را تصرف و ویران کردند. چنان‌که "محمدبن ابراهیم" نوشته‌است: «و بیچاره اهل جیرفت، غافل و بی‌خبر ناگاه به سرایشان فرود آمدند و صد هزار نفس را به انواع تعذیب و شکنجه هلاک کردند و سر در ولایت نهادند و هر کجا ناحیتی معمور بود، یا خطه‌ای مسکون دیدند، آثار آن مطموس و مدروس گردانیدند» (ابن‌ابراهیم، ۱۳۴۳: ۱۲۹-۱۲۶).

پس از آن جیرفت مدتی در دوره "ملک دینارغز" در آرامش به سر برد (منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۱۸). در آن دوره دارالملک کرمان بود و به دلیل آب و هوای مطبوع زمستانی لقب «جَنَه اَزْبَعَه اَشْهَر» (بهشت چهار ماه) داشت (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۵۶: ۱۲۶). در سال ۶۰۰ هـ.ق، "امیرقطب‌الدین" مبارز از حکام شبانکاره، دور جیرفت حصار کشید (ابن ابراهیم، ۱۳۴۳: ۲۱۷). در سال ۶۱۹ هـ.ق. قراختاییان جیرفت را تصرف کردند (منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۲۳-۲۲). روابط دوستانه "براق حاجب قراختایی" با ملوک هرمز سبب حفظ امنیت راه تجاری هرمز - جیرفت هرچند برای مدتی کوتاه شد و دوره حکومت "ترخان خاتون قراختایی"، دوران رونق کرمان و جیرفت بود. محصولات زیادی در این دوره از جیرفت به دیگر نواحی صادر می‌شد (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۰۳ و ۲۳۶).

در میانه‌ی سده هفتم هـ.ق. مارکوپولو از ویرانی جیرفت به دست مغولان گزارش داده و نام شهر جیرفت (یا قمادین) را «کامادو» نوشته است. به گفته وی برخی از شهرهای ناحیه از ترس دزدان قبیله قراوناس (ظاهراً ساکن مکران)، با دیوارهای بلند گلی محصور شده بودند (مارکوپولو، ۱۳۶۳: ۲۴۶).

در اواخر سده ۸ هـ.ق، سپاهیان امیرتیمور، هفت قلعه را در جنوب کرمان را تسخیر کردند و سوزاندند (لسترنج، ۱۳۸۳: ۳۴۲). پس از آن تا دوران قاجار نامی از شهر جیرفت در متون تاریخی ذکر نشده است. در اوایل دوره قاجار، جیرفت بلوکی با ۸۰۰۰ نفر جمعیت و خانه‌هایی از کپر و کتوک معرفی شده است (وزیری کرمانی، ۱۳۸۵: ۲۱۲).

بحث و تحلیل

الف) نقش عوامل بوم‌شناسی در شکل‌گیری و گسترش جیرفت

یافته‌های باستان‌شناسی حوزه فرهنگی جیرفت، از وجود مراکز شهری مهمی حکایت می‌کند؛ چنان‌که در هزاره سوم ق.م، دوران تاریخی و سده‌های میانی اسلامی برخی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شهرهای جنوب‌شرق فلات ایران در دشت جیرفت شکل گرفتند. این موضوع، نشان‌گر وضعیت محیطی و جغرافیایی مناسب جیرفت در ادوار مختلف است؛ هم‌چنین از وجود وضعیت باثبات اقلیمی و جغرافیایی در ادوار پیش‌گفته حکایت می‌کند. چنان‌که در مطالعات زمین‌شناسی سال ۱۹۴۳ م، نیز نشان داده شده، وضعیت جغرافیای طبیعی و اقلیمی این حوزه در دوران تاریخی و اسلامی تاکنون تغییر کمی داشته است (چوبک، ۱۳۸۳ الف: ۱۱)؛ بنابراین، دشت حاصل‌خیز و غنی جیرفت بستر مناسبی برای شکل‌گیری و گسترش سکونت‌ها بوده است. در ادامه، متغیرهای: ماده، فضا، تنوع، انرژی و زمان، به‌عنوان متغیرهای اثرگذار بر چگونگی و چرایی شکل‌گیری و تخریب زیست‌بوم بررسی شده است (نمودار ۱).

متغیر ماده: در دوران تاریخی و اسلامی، حفر چاه‌ها و کاریزها به‌عنوان راه حلی برای تأمین آب مورد توجه قرار گرفت؛ اما مهم‌ترین علت شکل‌گیری و گسترش سکونت‌گاه‌های دائمی انسان در طول تاریخ، وجود منابع آب سطحی و رودخانه‌ها بود. رشد و حیات شهر کهن جیرفت نیز با رودخانه پرآب هلیل‌رود و شاخه‌های فرعی آن و هم‌چنین کاریزهای حفر شده در برخی نواحی رابطه

مستقیمی دارد؛ اگرچه امروزه هلیل‌رود خشک و بی‌آب است، اما در اغلب متون تاریخی از هلیل‌رودِ خروشان و پرآب که گاه ۲۰ آسیاب، گاه ۵۰، گاه ۶۰ و گاه ۱۶۰ آسیاب را می‌چرخانده، ذکری به میان آمده است و به کاربدهای جیرفت اشاره شده است (مقدسی، ۱۳۸۵؛ حدودالعالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۷۲؛ مستوفی، ۱۳۳۶). بنابراین جیرفت همواره از مهم‌ترین ماده حیاتی یعنی «آب» به اندازه کافی برخوردار بوده است.

از سوی دیگر، خاک اغلب نواحی دشت جیرفت از آب‌رُفت‌های رودخانه‌ای دانه‌ریز تشکیل شده است. این خاک آب‌رُفتی در جیرفت، نقش مهمی در حاصل‌خیزی، افزایش کشت و بهبود کیفیت محصولات خاص از جمله تولیدات باغی داشت. خاک حاصل‌خیز و آب فراوان به‌عنوان دو ماده اصلی، تأثیر مستقیمی بر گسترش فعالیت‌های کشاورزی و باغداری و تأمین نیازهای ساکنان شهر کهن جیرفت در دوران اسلامی داشته‌اند. افزون بر این، وجود شن و ماسه در خاک جیرفت، در بهبود کیفیت مصالح معماری نیز مفید بود؛ زیرا وجود کمی ریگ و شن در خشت‌ها، چینه‌ها یا آجرها، باعث مقاوم شدن و پیش‌گیری از ترک برداشتن آن‌هاست (زمرشیدی، ۱۳۸۷: ۱۲۸) و در جیرفت از این خاک بوم‌آورد برای ساخت چینه، خشت، آجر و ملات استفاده شده است. بنابراین، مواد اولیه مناسبی برای گسترش ساخت‌وسازهای شهر کهن جیرفت در پیرامون آن در دسترس بود. وجود مواد معدنی و کانی‌های مهم در کوهستان‌ها و دشت جیرفت، تأثیر زیادی بر رونق تولید و رشد صنایع و صادرات این شهر داشت؛ چنان‌که استخراج مواد معدنی، تولیدات صنعتی با استفاده از این مواد و یا صادرات مواد خام به یکی از پیشه‌های ساکنان جیرفت تبدیل شده بود. «اصطخری»، به معدن آهن و نقره در جیرفت اشاره کرده (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۴۲) و ابن‌حوقل در سده چهارم هـ.ق، از وجود معادن آهن و نقره در جبالبارز و جنوب‌غربی آن خبر داده است (ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۷۶). مقدسی، از معادن آهن، نقره و سنگ توتیا در جیرفت نام برده است (مقدسی، ۱۳۸۵: ۷۱۵-۶۸۰). مؤلف حدودالعالم، اشاره کرده که در کوه‌های جیرفت، معادن بسیاری مانند: سرب، مس، سنگ مغناطیسی و نقره وجود دارد (حدودالعالم، ۱۳۷۲: ۱۳۱) و در جوی‌های آن زر یافت می‌شود (همان: ۳۶۷). هم‌چنین در «جواهرنامه سلطانی» از «احمد طبیب ساوجی»، نقل شده که در جبال جنوبی کرمان چند کانی زر غیرخالص وجود دارد (مؤمن‌زاده و فرجاد باستانی، ۱۳۶۹: ۲۵۵). پژوهش‌های جدید نیز مکان دقیق برخی معادن تاریخی در پیرامون جیرفت را معلوم نموده است. از جمله معادن و منابع پنبه کوهی که در کمربند افیولیتی کرمان، به‌ویژه در معدن «باغ‌برج» اسفندقه وجود داشته است (آفتابی و انوری، ۱۳۷۱: ۱۴). بر پایه‌ی پژوهش‌های زمین‌شناسی، علاوه‌بر مس و نقره، کانی‌های طبیعی مانند فیروزه و عقیق و احتمالاً سنگ لاجورد نیز در کوه‌های بلند جیرفت استخراج می‌شده است (رازانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۳). هم‌چنین مطالعه محورهای اصلی ذخائر معدنی کرمان نشان می‌دهد، در محور مرکزی که از شمال شهر بابک آغاز و به بزم و جیرفت ختم می‌شود، در دوره‌های گذشته استحصال: مس، سرب، روی، سرمه و فیروزه صورت گرفته است (مؤمن‌زاده و فرجاد باستانی، ۱۳۶۹: ۲۵۹). از سوی دیگر، نام‌شناسی و واژه‌شناسی آبادی‌ها و مراکز سکونت‌ی اطراف جیرفت، شاید اشاره‌ای

غیرمستقیم به سابقه معدن‌کاری در این نواحی داشته باشد؛ از جمله نام‌جای‌های: زارچو، دو زرک کوه، جو زرگان، زرین‌خون، مسکون (مس‌کان؟) در شمال شرق، شمال و شمال غربی جیرفت که عمدتاً در مناطق کوهستانی و با رخنمون‌های معدنی واقع شده‌اند (همان: ۲۶۲)؛ بنابراین در فاز شکل‌گیری و گسترش، متغیر بوم‌شناسی ماده به‌صورت منابع آب کافی، خاک حاصل‌خیز و وجود منابع معدنی فراوان نقش به‌سزایی داشت.

متغیر فضا: بر پایه یافته‌های باستان‌شناسی، شهر جیرفت از سده نخست تا چهارم هـ.ق، شهری متوسط در کرمان بود و از ابتدای سده چهارم گسترش آن آغاز شد؛ زیرا بیشترین فراوانی و تنوع مواد فرهنگی سطحی بازه‌ای از سده چهارم تا هفتم هـ.ق. را در بر می‌گیرد. به‌نظر می‌رسد، مهم‌ترین علت گسترش و اهمیت جیرفت از سده چهارم هـ.ق، متغیر فضا بود؛ چراکه از این دوران مسیر ارتباطی سواحل خلیج فارس و شمال کشور تغییر یافت. تا این زمان، قیس (کیش) و سیراف بندرگاه‌های مهم خلیج فارس بودند و راه اصلی بازرگانی از این دو به سیرجان و سپس نواحی شمالی می‌رفت، اما از سده چهارم هـ.ق. کرسی ایالت کرمان از سیرجان به بردسیر تغییر یافت. هم‌چنین از سده پنجم هـ.ق، با پایه‌گذاری حکومت ملوک هرمز، تجارت سیراف، صحار و جدّه تضعیف و قدرت اقتصادی هرمز تقویت شد. از سوی دیگر، درگیری میان حکام فارس، کرمان و شبانکاره (دارابگرد) بر سر تصرف جاده‌های منتهی به سیراف منجر به افول سیراف گردید. در پی آن، هرمز جایگزین کیش و سیراف شد (عباسی و امیری، ۱۳۹۰: ۳۰۳). پس از آن، راه ارتباطی هرمز - جیرفت - بردسیر رونق یافت و جیرفت به‌عنوان واسطه تجاری، به انبار کالاها و شهری بزرگ در کرمان تبدیل شد (نقشه ۲). چنان‌که ابن‌حوقل جیرفت را مرکز بازرگانی خراسان و سیستان ذکر کرده است (ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۷۷). این شاه‌راه که از شاخه‌های دو جاده معروف «ابریشم» و «ادویه» بود، توسط ملک قاورد سلجوقی بازسازی شد و کاروانسراها، رباط‌ها، کاریزها و چاه‌ها به‌دستور وی در این مسیر احداث شد (بارتولد، ۱۳۵۸: ۱۶۲). هم‌چنین جاده بازرگانی مهم دیگری که از جیرفت می‌گذشت و به اهمیت جیرفت افزوده بود، راه هندوستان از طریق جالق بود. به‌همین دلیل، از این زمان جیرفت بیشتر در مرکز توجه حکام به‌ویژه امرای سلجوقی قرار گرفت (ابن‌ابراهیم، ۱۳۴۳: ۴۶).

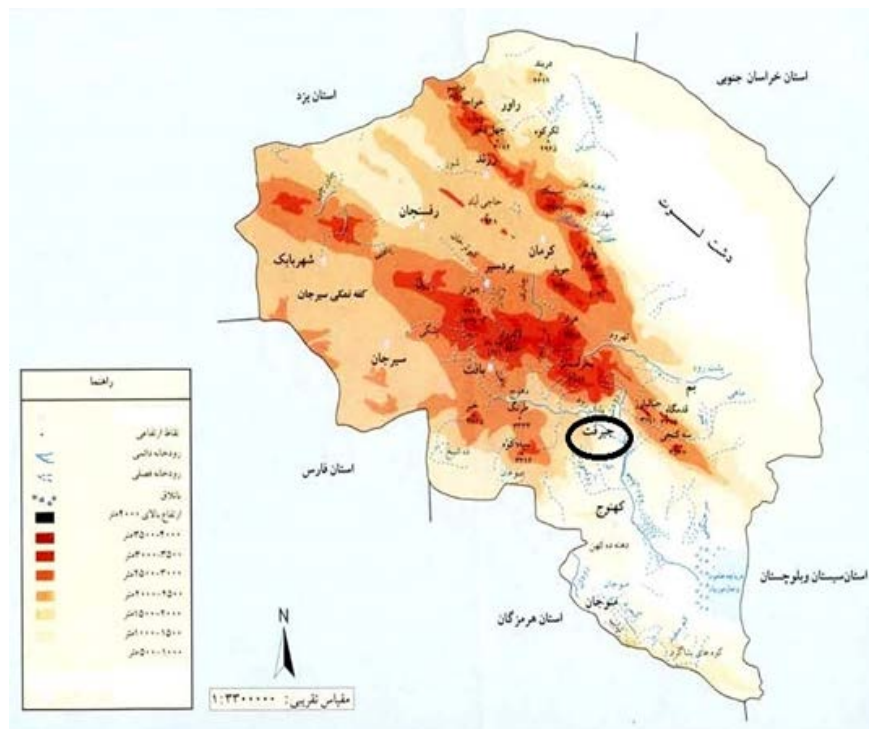


► نقشه ۲: مسیرهای بازرگانی جنوب به شمال کشور؛ مسیر شماره یک: قشم، کیش، سیراف به سوی سیرجان (تا سده ۴ هـ.ق). مسیر شماره دو: هرمز - جیرفت - بردسیر (از سده ۴ هـ.ق. به بعد)، (نگارنده ۱۳۹۲).

اهمیت شاهراهی که از هرمز به جیرفت و نواحی شمالی کشور می‌رفت، در این بود که محصولات مانند: حنا، نیل، زیره، خرما، نیشکر، عطر گل سرخ و نرگس از این شاهراه به دیگر نقاط صادر می‌شد (صفا، ۱۳۷۲: ۸۷ و ۳۹). ساکنان جیرفت به واسطه‌ی قرارگیری در این مسیر تجاری، افزون بر فروش کالاها، سود زیادی از دریافت حق عبور کالا به‌دست می‌آوردند (عباسی و امیری، ۱۳۹۰: ۳۱۰). عبور این شاهراه و آمدوشد بازرگانان در آن سبب شکل‌گیری محله‌ی «قمادین» در نزدیکی دروازه شمالی جیرفت شد. بازرگانان هندی، رومی و یونانی در قبادین خانه و انبار داشتند و کالاهای گران‌قیمت: چین، هندوستان، زنگبار، حبشه، مصر، یونان، روم، ماوراءالنهر، خراسان، ارمنیه، عراق، آذربایجان و فارس در آن یافت می‌شد (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۶۹).

ویژگی‌های خاص اقلیمی جیرفت باعث شد، "معزالدوله" و "عضدالدوله" دیلمی و حکام سلجوقی، جیرفت را به‌عنوان پایتخت زمستانی خود برگزینند؛ چنان‌که معزالدوله، مرکزیت سیاسی زمستانی خود را در جیرفت قرار داده بودند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۲: ۴۸۷۸-۴۸۷۹) و ملوک سلجوقی کرمان هر سال در ماه آذر از کرسی ایالت، یعنی بردسیر به جیرفت نقل مکان می‌کردند و به مدت پنج ماه در این پایتخت زمستانی به سر می‌بردند (ابن‌ابراهیم، ۱۳۴۳: ۴۶).

متغیر تنوع: وضعیت جغرافیایی دوگانه کوهستان - دشت در جیرفت و اختلاف ارتفاع و درجه حرارت، نقش اساسی در تولید محصولات متنوع سردسیری و گرم‌سیری دارد (نقشه ۳). تنوع گونه‌های گیاهی و محصولات باغی و کشاورزی در نواحی میان‌کوهی، پای‌کوهی و دشت جیرفت به حدی بود که این تولیدات، افزون بر تأمین نیاز ساکنان این شهر، به‌عنوان محصولات اقتصادی به نواحی دیگر صادر می‌شدند. هم‌چنین، این گونه‌گونی سبب شکل‌گیری باغ‌ها و

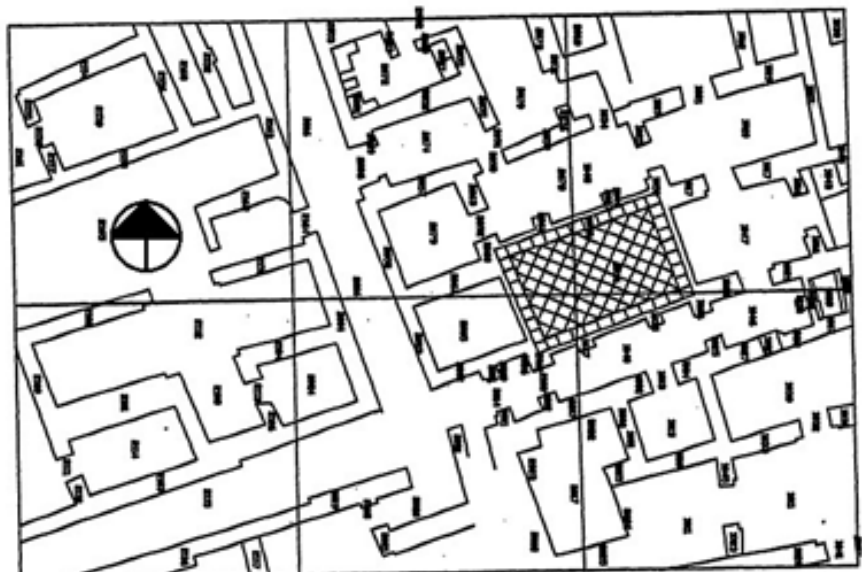


نقشه ۳: ارتفاعات استان کرمان؛ کوه‌های بحرآسمان در شمال جیرفت با ارتفاع ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ متر - کوه‌های جبالبارز در شرق و سیاه‌کوه در غرب با ارتفاع ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ متر؛ دشت جیرفت با ارتفاع کم‌تر از ۱۰۰۰ متر (geography.kermanedu.ir).

گردش‌گاه‌هایی شده بود که یعقوبی، مقدسی، اصطخری و ابن حوقل به آن‌ها اشاره کرده‌اند و به‌نظر می‌رسد، نقش زیادی در گرایش حکام دیلمی و سلجوقی در فصل زمستان به جیرفت داشته‌اند. فراوان‌ترین گونه‌های گیاهی، محصولات کشاورزی و باغی جیرفت بر پایه نوشته‌های منابع مکتوب شامل: خربزه، خرما، جوز، نرگس، نارنج (یعقوبی، ۱۳۴۲: ۳۶۲-۳۴۳)، گردو، میوه‌های تازه و خشک، زیره، نیل (مقدسی، ۱۳۸۵: ۷۱۵-۶۸۰)، ذرت (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۷۷)، صیفی‌جات، انار، پسته، گندم و علوفه فراوان (مارکوپولو، ۱۳۶۳: ۵۰-۴۵) بوده است.

از سوی دیگر دشت و کوهستان‌های پیرامون جیرفت، زیستگاه مناسبی برای گونه‌های مختلف جانوری بوده است. چنان‌که ابن‌ابراهیم از پرندهای به نام «کیکو» یاد کرده که در جیرفت شکار شده و بر خوان سلطان محمد سلجوقی برای خوراک گذاشته شده بود (ابن‌ابراهیم، ۱۳۴۳: ۴۹-۴۷)؛ هم‌چنین، به نوعی دراج، گاوهای سفید بسیار بزرگ و قوچ‌های چاقی که برای خوردن بسیار مناسب بوده‌اند، در سفرنامه مارکوپولو اشاره شده است (مارکوپولو، ۱۳۶۳: ۵۰-۴۵). این احتمال وجود دارد که تنوع این حیوانات و هم‌چنین شکار فراوان در دشت و کوهستان‌های جیرفت، انگیزه دیگری برای سکونت حکام: صفاری، دیلمی، سلجوقی، غز، شبانکاره و قراختایی در جیرفت بوده است؛ زیرا اولاً شکار اهمیت زیادی برای حکام پیش و پس از اسلام داشت؛ ثانیاً گونه‌های شکار، امروزه نیز در این منطقه وجود دارد و برخی از ساکنان جیرفت به شکار در نواحی کوهستانی می‌پردازند.

متغیر انرژی: متغیر انرژی در فرآیند شکل‌گیری، گسترش و تخریب سکونت‌گاه‌های انسانی به دو صورت انرژی باد و انرژی خورشید قابل بررسی است. به‌نظر می‌رسد، در شهر اسلامی جیرفت، تنها نقش انرژی باد، بر شکل‌گیری سکونت‌گاه‌ها قابل توجه است. بدین ترتیب که انرژی باد در نوع و چگونگی شکل‌گیری ساختار معماری و بافت شهری جیرفت اثرگذار بوده است. چنان‌که بررسی نقشه ساختارهای کاوش شده شهر اسلامی جیرفت و هم‌چنین تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد، محورهای اصلی بناهای شهر، شمال شرق - جنوب غرب (رون راسته) یا شمال غرب - جنوب شرق (رون اصفهانی) است (نقشه ۴). جهت‌گیری



► نقشه ۴: نقشه‌ی بخشی از ساخت و سازهای بازار، حمام و گذرگاه‌های پیرامون آن در شهر قدیم جیرفت (چوبک، ۱۳۸۳ الف: ۲۴۱).

بناها بدین شکل، به‌منظور حفاظت بناها و ساکنان در برابر بادهای سرد شمالی «هورشا» و بادهای گرم جنوبی «نمی» صورت گرفته است.

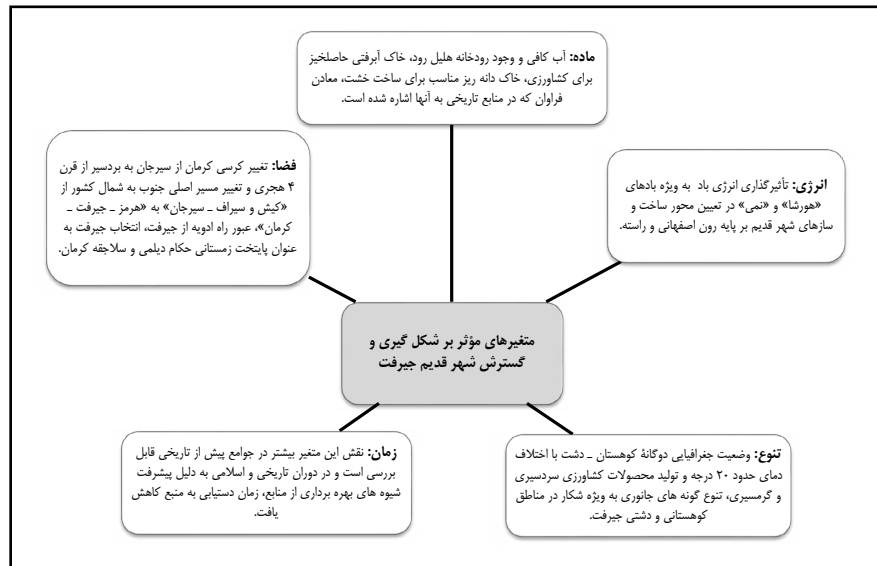
متغیر زمان: زمان موردنیاز برای رسیدن به منابع در پیرامون یک سکونت‌گاه در دوران پیش از تاریخ اهمیت داشت، اما در جوامع پیشرفته‌تر به‌ویژه در دوران تاریخی و اسلامی، شیوه‌های بهره‌برداری از منابع آن‌چنان پیشرفت داشته‌اند که نقش متغیر زمان در این میان ناچیز به‌نظر می‌رسد؛ به‌عنوان مثال، در دوران تاریخی و اسلامی حفر چاه، قنات و کانال‌کشی، دسترسی را به منابع آب در هر نقطه فراهم می‌کرد. به‌همین دلیل، به‌نظر می‌رسد متغیر زمان در شکل‌گیری، گسترش و تخریب شهر اسلامی جیرفت نقش چندانی نداشته است.

ب) نقش عوامل بوم‌شناسی در ترک و تخریب جیرفت

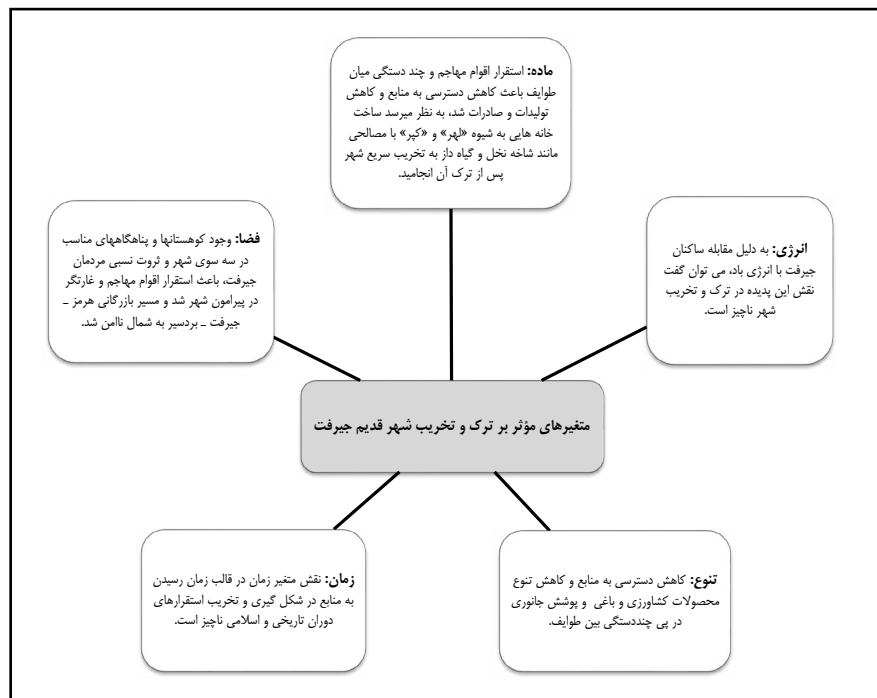
شواهد باستان‌شناسی، مانند قطعات سفال و دیگر مواد فرهنگی، از کاهش تدریجی جمعیت در شهر کهن جیرفت در سده‌های میانی اسلامی و ترک آن در سده هشتم هـ.ق. حکایت دارند. به‌نظر می‌رسد، شمار زیادی از ساکنان جیرفت پس از یورش‌های مغولان و تیمور کشته شدند و مردمی که از این حملات جان سالم به در بردند، به نواحی دیگر مهاجرت کردند و از این زمان در متون تاریخی کم‌تر نامی از جیرفت به‌عنوان یک «شهر» ذکر شده است. در تبیین علل و زمینه‌های ترک و تخریب شهر اسلامی جیرفت، متغیرهای: ماده، فضا، تنوع، انرژی و زمان مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (نمودار ۲).

متغیر ماده: همان‌گونه که تشریح شد، متغیر ماده به‌صورت «منابع آب کافی»، «خاک حاصل‌خیز» و «منابع معدنی فراوان» بر شکل‌گیری و گسترش شهر اسلامی جیرفت اثر گذاشته است. از سوی دیگر، بر پایه مطالعات زمین‌شناسی وضعیت جغرافیای طبیعی و اقلیمی این حوزه از حدود ۲۰۰۰ سال قبل تاکنون تغییر کمی داشته است (چوبک، ۱۳۸۳ الف: ۱۱)؛ بنابراین، با توجه به عدم تغییر وضعیت اقلیمی به‌نظر می‌رسد، نوع منابع نمی‌توانسته هم‌زمان در فاز ترک سکونت شهر نیز تأثیر داشته باشد، اما میزان این منابع بر ترک شهر اثرگذار بوده است. زیرا با چنددستگی و استقرار اقوام مختلف در پیرامون جیرفت و هرمز، عملاً دسترسی به برخی مواد اولیه کاهش یافته و امکان بهره‌برداری از منابع برای تولیدات صنعتی و توسعه مبادلات محدود شده بود؛ بنابراین احتمالاً تقسیم نواحی جیرفت در میان گروه‌های قومی مخالف، در کاهش رونق تولید، صادرات و واردات اثر گذاشته است. با وجود این که متغیر ماده در فاز ترک سکونت شهر کهن نقش کم‌تری داشت، در فاز تخریب ساختارهای معماری مؤثرتر عمل کرده است. فراوانی آوارها در شهر اسلامی جیرفت، در مقایسه با گستردگی، اهمیت و مدت زمانی که از ترک آن می‌گذرد، غیرمنطقی به‌نظر می‌رسد؛ بدین معنا که اهمیت و گستردگی شهر به حدی بود که امروزه می‌بایست بناهای بیشتری در آن پابرجا مانده باشد، اما به‌دلیل استفاده از آجرهای شهر کهن در ساخت‌وسازهای شهر جدید جیرفت در یک سده گذشته، تخریب شهر کهن شدت بیشتری گرفت. در عین حال، این احتمال نیز وجود دارد که ویرانی شدید شهر کهن جیرفت ناشی از این است که برخی عناصر شهری از نوع «لهر» و «کپر» بوده‌اند. همچنان که در دوران متأخر

► **نمودار ۱: متغیرهای بوم‌شناسی مؤثر بر «شکل‌گیری و گسترش» شهر قدیم جیرفت (نگارنده ۱۳۹۲).**



► **نمودار ۲: متغیرهای بوم‌شناسی مؤثر بر «ترک و تخریب» شهر قدیم جیرفت (نگارنده ۱۳۹۲).**



نیز خانه‌های توپیی (لهر) با مصالح بوم‌آورد ساخته می‌شد. مصالح این خانه‌ها عبارتند از: شاخه‌های نخل و برگ‌های بوتله «داز» که به‌صورت انبوه در کنار شن‌زارهای رودخانه‌های فصلی می‌روید (چوبک، ۱۳۸۳ الف: ۷۸)؛ بنابراین، چنین شیوه‌ی احتمالی در ساخت‌وساز برخی فضاهای مسکونی به‌ویژه در حاشیه شهر کهن باعث شده تخریب آن سرعت بیشتری گیرد و چگونگی و وسعت شهر با ابهاماتی همراه باشد.

متغیر فضا: به‌نظر می‌رسد متغیر فضا بیشترین نقش را در ترک و تخریب شهر اسلامی جیرفت داشته است؛ بدین معنا که قرارگیری کوه‌های جبال‌ارز در پیرامون جیرفت از یک‌سو و ثروت نسبی مردمان این شهر از سوی دیگر، فرصت

مناسبتی را برای استقرار اقوام مهاجم و راهزنان فراهم کرده بود. بنابراین کاروانیان در مسیرهای دسترسی به این شهر در معرض حمله این اقوام بودند (عباسی و امیری، ۱۳۹۰: ۳۱۱). به‌ویژه اقوام قفص که در دوره‌هایی قدرت بیشتری می‌گرفتند و دامنه نفوذ و سرکشی و غارت آن‌ها تا مرزهای فارس و خراسان می‌رسید (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۵)؛ همچنین نکوداریان در اواسط سده هفتم هـ.ق. چندبار به جیرفت، رودبار و هرمز حمله کردند و اموال بازرگانان را غارت کردند (پاریزی، ۲۵۳۵: ۲۰۵). پس از هجوم غزها، شهرهای کرمان به تصرف گروه‌های مختلفی درآمد و ملوک ایگ، جیرفت و بم را تصرف کردند. در سال ۶۰۹ هـ.ق. ملک زوزن، کرمان را تسخیر و گماشتگان قطب‌الدین، مبارز شبانکاره را از جیرفت بیرون کرد (حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۴۵، ۴۲). این رخداد، باعث قطع شدن مسیر کاروان‌ها از هرمز به جیرفت و کرمان شد و بازرگانان در پی یافتن راه‌هایی امن‌تر برآمدند. به دنبال آن، دوباره قشم، کیش و سیراف اهمیت یافتند و بازرگانان لاری، شیرازی، اتابکان فارس و ملوک ایگ، بیشترین بهره را از این تغییر مسیر بردند (ابن‌ابراهیم، ۱۳۴۳: سیزده). از سوی دیگر، در اواخر سده ۸ هـ.ق. سپاهیان امیر تیمور در مسیر لشکرکشی‌های خود به شهرهای جنوب کرمان یورش بردند و هفت قلعه، یعنی: قلعه مینا، تنگ زندان، کشکک، حصار شامل، منوجان، ترزک و تازیان را تسخیر کردند و سوزاندند (لسترنج، ۱۳۸۳: ۳۴۲). پیامد این یورش‌های گسترده، خرابی و ویرانی راه‌های ارتباطی و بناها بود. در دوره‌هایی که حکام کرمان و جیرفت قدرت بیشتری داشتند - مانند دوره ملوک سلجوقی یا قراختایی - راه‌کارهایی برای مقابله با این یورش‌ها اندیشیده می‌شد و در صورت ویران‌گری اقوام مهاجم، از جمله قفص و نکوداریان، به بازسازی خرابی‌ها اقدام می‌شد؛ اما با حمله مغولان در ۶۲۱ هـ.ق. و پس از آن حمله امیر تیمور در اواخر سده هشتم هـ.ق. به جیرفت و تضعیف ملوک جیرفت، عملاً نیروی بازدارنده در مقابل این سرکشی‌ها و یورش‌ها از بین رفت و روند ترک و تخریب شهر سرعت بیشتری گرفت.

متغیر تنوع: بر پایه‌ی مطالعات زمین‌شناسی و با توجه به نوسان ناچیز آب و هوایی منطقه در ۲۰۰۰ سال گذشته، تنوع گونه‌های گیاهی (محصولات کشاورزی، باغی، دارویی خودرو و مراتع) و جانوری در مقایسه با سده‌های میانی اسلامی تغییر زیادی نداشته است؛ بنابراین، متغیر تنوع که به گسترش شهر اسلامی منجر شده بود، در فاز ترک و تخریب نقش کم‌تری داشت، اما از بین رفتن قدرت ملوک مرکزی جیرفت و نبردها میان اقوام مختلف باعث تقسیم نواحی شده بود و این تقسیم اراضی، دسترسی به گونه‌های متنوع گیاهی و جانوری را محدود کرده بود. چنان‌که کوهستان‌های جبالبارز که بستری برای کشت محصولات سردسیری و پناه‌گاهی برای انواع شکار بود، در دست اقوام قفص و نواحی مرکزی در دست ملوک دیگر بود. بنابراین، شاید کاهش تنوع محصولات کشاورزی، باغی و دیگر گونه‌های گیاهی و جانوری در سده‌های ششم تا هشتم هـ.ق.، تأثیری هرچند ناچیز بر ساکنان شهر داشته است.

متغیرهای انرژی و زمان: به‌نظر می‌رسد، انرژی هـ.ش. و باد بر ترک و تخریب شهر اسلامی جیرفت اثر چندانی نداشته‌اند؛ زیرا ساکنان این شهر برای مقابله با بادهای شمالی و جنوبی، محور بناها را در جهتی مخالف و زاویه‌دار نسبت

به جهت وزش باد در نظر می‌گرفتند. هم‌چنین با توجه به عدم نوسان اقلیمی در سده‌های میانی و متأخر اسلامی نسبت به سده‌های نخست هـ.ق، می‌توان پنداشت، تأثیر انرژی هـ.ش. بر ترک سکونت و تخریب شهر ناچیز است؛ زیرا شکل‌گیری و گسترش شهر در وضعیت اقلیمی مشابهی صورت گرفته بود. هم‌چنین، همان‌گونه که در فاز شکل‌گیری تشریح شد، متغیر زمان بر استقرارهای دوران تاریخی و اسلامی اثرگذار نبوده است و در مطالعات باستان‌شناسی دوران اسلامی، به‌دلیل شیوه‌های جدید دستیابی به منابع و کاهش زمان تهیه منابع عملاً، می‌توان اثرگذاری متغیر زمان را در نظر نگرفت.

نتیجه

بر پایه پژوهش‌ها و یافته‌های باستان‌شناسی، گسترش و ترک شهر کهن جیرفت در بازه زمانی صدراسلام تا سده هشتم هـ.ق. صورت گرفته است. در مرحله شکل‌گیری و گسترش شهر، متغیر فضا بیشترین نقش را داشته است؛ زیرا از سده چهارم هـ.ق. مسیر ارتباطی و بازرگانی جنوب - شمال کشور تغییر کرد و مسیر سابق یعنی کیش، سیراف - سیرجان از رونق افتاد. در پی آن مسیر هرمز - بردسیر اهمیت یافت و به یکی از شاخه‌های دو شاه‌راه «ابریشم» و «ادویه» تبدیل شد. با این تغییر، جیرفت در میانه این راه به بارانداز و انباری بزرگ برای بازرگانان تبدیل شد و ساکنان جیرفت، افزون بر فروش کالا، از طریق دریافت حق عبور کالاها نیز به سودهای سرشاری دست یافته بودند. هم‌چنین متغیر ماده به‌صورت منابع سرشار: آب، خاک آب‌رقتی حاصل‌خیز، کانی‌ها و مواد معدنی فراوان بر شکل‌گیری و گسترش شهر اثرگذار بود. از سوی دیگر، تنوع در محصولات سردسیری و گرم‌سیری، به‌دلیل وضعیت جغرافیایی دوگانه کوهستان - دشت در جیرفت، نقش اساسی در تأمین نیاز ساکنان، مسافران و صادرات به نواحی دیگر داشت. هم‌چنین تنوع در گونه‌های جانوری به‌ویژه شکار سبب گرایش حکام به این منطقه شده بود و افزون بر آن، نقش مهمی در تأمین بخشی از خوراک ساکنان داشت. متغیر انرژی نیز بر چگونگی شکل‌گیری عناصر شهری در جیرفت اثرگذار بود؛ بدین ترتیب که بناهای شهر در محور مخالف جهت وزش باد ساخته شده است.

در مرحله ترک و تخریب شهر اسلامی جیرفت نیز متغیر فضا، بیشترین نقش را داشته است. قرارگیری کوهستان‌های شمالی، شرقی و غربی در اطراف جیرفت و ثروت ساکنان شهر، محیط مناسبی برای اقوام مهاجم فراهم کرده بود و نگاهی به منابع تاریخی نشان می‌دهد، بیشترین آشوب و هرج و مرج در سال‌های پس از طغرل سلجوقی آغاز شد و تا حمله تیمور تداوم داشت و در نهایت به تضعیف ملوک جیرفت و ناامنی راه‌های بازرگانی منجر شد؛ تا جایی که بازرگانان مسیرهای دیگری را جایگزین جیرفت کردند. استقرار اقوام مهاجم و چنددستگی در بین اقوام جیرفت باعث شد، دسترسی به مواد و منابع نیز کاهش یابد و با کاهش بهره‌برداری از منابع و مواد اولیه طبیعی، میزان تولید و مبادلات نیز کاهش یافت. هم‌چنین به‌نظر می‌رسد، ساخت خانه‌هایی با مواد و مصالح بوم‌آورد یعنی شاخه‌های نخل و برگ‌های داز، به‌ویژه در نواحی حاشیه‌ای شهر، سبب ویرانی سریع شهر شد؛ از سوی دیگر، چنددستگی و درگیری بین اقوام مختلف و مالکیت

هریک بر بخشی از جیرفت، باعث کاهش دسترسی به گونه‌های متنوع گیاهی و جانوری شده بود.

کتابنامه

- آفتابی، علیجان؛ مجتبی انوری؛ ۱۳۷۱، «تاریخچه زمین‌شناسی، پی‌جویی و استخراج مواد معدنی در استان کرمان»، مجله آموزش زمین‌شناسی، شماره ۳۱، صص ۱۵-۱۳.
- ابن‌اثیر، عزالدین؛ ۱۳۸۵، تاریخ کامل، چاپ سوم، جلد چهارم، ترجمه: دکتر سیدمحمدحسین روحانی، تهران: انتشارات اساطیر.
- ابن‌اثیر، عزالدین؛ ۱۳۸۲، «تاریخ کامل»، چاپ اول، جلد یازدهم، ترجمه: حمیدرضا آژیر، تهران: انتشارات اساطیر.
- ابن‌حوقل؛ ۱۳۴۵، صوره الارض، ترجمه: دکتر جعفر شعار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن‌خلدون، ابوزید عبدالرحمان بن محمد؛ ۱۳۸۳، العبر؛ تاریخ ابن‌خلدون، جلد سوم، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم؛ ۱۳۴۷، مسالک و ممالک، به کوشش: ایرج افشار، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- افضل‌الدین کرمانی، ابوحامد احمد بن حامد؛ ۱۳۲۶، تاریخ افضل یا بدائع الزمان فی وقایع کرمان، ترجمه: مهدی بیانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- افضل‌الدین کرمانی، ابوحامد احمد بن حامد؛ ۱۳۵۶، عقد العلی للموقف الاعلی، تصحیح: علیمحمد عابری نایینی، تهران: انتشارات روزبهان.
- امبرلین، جی، سی؛ ۱۳۷۷، مقدمه‌ای بر بوم‌شناسی، ترجمه: محمداقبر باقریه نجار، انتشارات دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی.
- امیرحاجلو، سعید؛ ۱۳۹۱، «تأملی در علل توسعه و تخریب اقامتگاه‌های شاهی میان‌راهی دوران صفوی با نگاهی بر دولت‌آباد، علی‌آباد ریگ و دمبی در شمال اصفهان»، مجله علمی - پژوهشی مرمت آثار و بافت‌های تاریخی، دوره دوم، شماره سوم، صص: ۱۳-۱.
- بارتولد، ویلادیمیتر؛ ۱۳۵۸، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه: حمزه سردادور، چاپ دوم، تهران: انتشارات توس.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (به: کوشش)؛ ۲۵۳۵، تاریخ شاهی قراختایان، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- جعفری، عباس؛ ۱۳۷۶، گیتاشناسی ایران - رودخانه‌های ایران، جلد دوم، تهران: سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- چوبک، حمیده، ۱۳۹۱، «سفالینه‌های دوران اسلامی شهر کهن جیرفت»، مجله علمی - پژوهشی مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۴، شماره ۱، بهار و تابستان، شماره پیاپی ۵، صص: ۸۳-۱۱۲.
- چوبک، حمیده؛ ۱۳۸۳ الف، «تسلسل فرهنگی جازموریان - شهر قدیم جیرفت در دوره اسلامی»، رساله دکتری باستان‌شناسی، به راهنمایی دکتر محمدیوسف کیانی، دانشگاه تربیت مدرس.

- چوبک، حمیده؛ ۱۳۸۳ ب، «حوزه فرهنگی جازموریان در بررسی های باستان شناسی ایران»، فصلنامه مدرس علوم انسانی،
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی؛ ۱۳۷۸، جغرافیای حافظ ابرو، تصحیح صادق سجادی، تهران: میراث مکتوب.
- دانشی، علی؛ ۱۳۹۱، گزارش بررسی و شناسایی شهرستان رودبار جنوب، فصل دوم، سازمان میراث فرهنگی کرمان، (منتشر نشده).
- دانشی، علی؛ ۱۳۸۸، گزارش بررسی و شناسایی شهرستان جیرفت، حوزه‌ی ساردویی و دلفارد، سازمان میراث فرهنگی کرمان، (منتشر نشده).
- دولفوس، اولیویه؛ ۱۳۷۳، تحلیل جغرافیایی، ترجمه: سیروس سهامی، چاپ دوم، مشهد: انتشارات نیکا.
- دهقان‌سانج، ولی‌الله؛ ۱۳۸۲، گزارش بررسی شهرستان رودبار، سازمان میراث فرهنگی کرمان، (منتشر نشده).
- رازانی، مهدی؛ سیدمحمد امین امامی، عباس عابد اصفهانی؛ ۱۳۸۸، «نگاهی به نویافته‌های باستان‌شناسی جیرفت»، دوفصلنامه تخصصی دانش مرمت و میراث فرهنگی، سال پنجم، شماره سوم، شماره پیاپی ۴، تابستان و پاییز، صص: ۴۰-۲۹.
- زمرشیدی، حسین؛ ۱۳۸۷، معماری ایران؛ مصالح شناسی سنتی، چاپ چهارم، تهران: زمرد.
- شفق، سیروس؛ ۱۳۸۱، جغرافیای اصفهان، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- صفا، عزیزالله؛ ۱۳۷۲، تاریخ جیرفت و کهنوج، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- طبری، محمد بن جریر؛ ۱۳۸۳، تاریخ طبری، جلد پنجم، چاپ ششم، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر.
- عباسی، جواد؛ لیلا امیری؛ ۱۳۹۰، «تجارت کرمان از سده ششم تا هشتم هـ.ق. با تأکید بر جایگاه جیرفت»، مجله مطالعات ایرانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه باهنر کرمان، سال دهم، شماره نوزدهم، صص ۳۲۰-۳۰۱.
- علیدادی‌سلیمانی، نادر، ۱۳۸۵، گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان جیرفت - حوزه‌ی اسفندقه، سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کرمان، (منتشر نشده).
- علیدادی‌سلیمانی، نادر، ۱۳۸۳، بررسی باستان‌شناسی شهرستان جیرفت حوزه‌ی ساردویه، سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کرمان، (منتشر نشده).
- فاریابی، نجمه و جواد درینی؛ ۱۳۸۹، «بوم‌شناسی مراتع منطقه جیرفت و کهنوج»، ماهنامه سبزینه، سال پنجم، شماره ۴۳، خرداد، صص ۱۹-۱۸.
- قزوینی، زکریا بن محمد محمود؛ ۱۳۷۳، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه: جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح: میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- لسترنج، گای؛ ۱۳۸۳، «جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی»، ترجمه محمود عرفان، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مارکوپولو، ایل مینیوئه؛ ۱۳۶۳، سفرنامه مارکوپولو، ترجمه: سیدمنصور سید سجادی، تهران: گویش.
- محمد ابن ابراهیم؛ ۱۳۴۳، سلجوقیان و غز در کرمان، تصحیح: باستانی پاریزی، تهران: انتشارات طهوری.

- مستوفی، حمدالله؛ ۱۳۳۶، «ترهه القلوب»، به کوشش: سید محمد دبیرسیاقی، تهران: انتشارات طهوری.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد؛ ۱۳۸۵، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه: دکتر علینقی منزوی، چاپ دوم، تهران: انتشارات کومش.
- منشی کرمانی، ناصرالدین؛ ۱۳۶۲، سمط العلی للحضره العیا، تهران: اقبال.
- مؤمن‌زاده، مرتضی؛ فرجاد باستانی، محسن؛ ۱۳۶۹، «مروری بر آثار معدنکاری باستانی در خطه کرمان»، در: مجموعه مقالات کرمان‌شناسی، به کوشش: محمدعلی گلاب‌زاده، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- مینورسکی (به کوشش)؛ ۱۳۷۲، حدود العالم من المشرق الی المغرب، ترجمه: میرحسین شاه، تصحیح و حواشی مریم میراحمدی و غلامرضا وره‌رام، تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
- نیکنامی، کمال‌الدین؛ ۱۳۸۵، «مبانی نظری باستان‌شناسی پهن‌دشت»، دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های باستان‌شناسی و مطالعات میان‌رشته‌ای، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان، صص ۱۱ تا ۲۴.
- وات، کنت؛ ۱۳۸۶، مبانی محیط زیست، ترجمه: عبدالحسین وهاب‌زاده، چاپ نهم، مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.
- وزیر کرمانی، احمدعلی خان؛ ۱۳۸۵، تاریخ کرمان، به تصحیح و تحشیه باستانی پاریزی، تهران: نشر علم.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب؛ ۱۳۴۲، البلدان، ترجمه: دکتر محمدابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- Butzer, K. W., 1980. «Context in Archaeology: an Alternative Perspective», Journal of Field Archaeology, Vol. 7, No. 4, pp. 417-422.
- Green, Kevin, 1997. Archaeology and Introduction, London and New York: Routledg.
- Madjidzadeh, Y., 2003 Jiroft: The Earliest Oriental Civilization, Tehran: ICHO.
- Rapp, George, Jr. & Hill, L, Christopher, 1998. Geoarchaeology; The Earth Science Approach to Archaeological Interpretation, New Haven and London: Yale University Press.
- Stein Sir Aurel 1937. Archaeological Reconnaissances in North - Western India and South Eastern Iran, London, MacMilland and CO Limited.
- Thomas, J., 2001. Archaeologies of Place and Landscape, in I. Hodder (ed.), Archaeological Theory Today, Cambridge: University Press, pp. 165-186.
- Trivedi, P. R. & Raj, Gurdeep, 1992. Environmental Echology, First Edition, New Dehli: Akashdeep Publishing House.

study referring to findings of archeological surveys and historical approaches in study of written sources have been reviewed. Then argumentation is done based on the ecological theory proposed by Kenet Watt and role of five variables of material, energy, diversity, space and time in formation, development and destruction has been studied. According to archaeological findings Jiroft city was a moderate city in Kerman province from the beginning of Islam until the fourth century and its expansion began in the fourth century. Because the most cultural materials of this city are belong to fourth to eighth centuries. It seems that the most important reason for development of Jiroft was the change of communication path between Persian Gulf coast and northern part of country. Because Sirjan was the capital of Kerman province until the fourth century; but, from 4th century, Bardsir (current Kerman city) became the capital. Also, until this time, Kish and Siraf islands were the most important harbors of Persian gulf and the main commercial route continued to Sirjan and to northern part while the fourth century, by change of center of Kerman state from Sirjan to Bardsir and the importance of Hormuz harbor instead of, Kish and Siraf the communication route of Hormuz-Jiroft-Bardsir to northern parts were more developed and Jiroft became the store of imported goods and commercial medium. At the same time, the Qomadin sector was built at the northeastern margin of Jiroft city; As pointed out in the Marco Polo. The Indian, Chinese, Roman, Greek, Ethiopian, Zanzibar merchants lived in Qomadin and they store their goods at this sector. Then the Seljuk rulers of kerman focused on Jiroft and it was chosen as their winter capital. There were also resources and mines which provided raw materials of exported goods and made it more developed. Roads of Jiroft have lost their security during the battles of the Fars rulers, Shabankareh and Ghoz and Jiroft lost its importance at this time. But it recovered its prosperity in the Qarakhataee period. After this, Tamerlane attacked the south region of Kerman during the 8th century and he destroyed seven castles in this regions. After that by decrease of importance of Jiroft-Hormuz route this city slowly became abandoned.

Keywords: Development and Destruction, Ancient Cities, Islamic City of Jiroft, Cultural Field of Halilrood.

Explanation of Role of Ecological Variables in Life of Islamic City of Jiroft

Saeid Amir Hajloo

Assistant Professor, Department of Archaeology University of Jiroft
S.hajloo@ujiroft.ac.ir

Received: 2014/06/11 - Accepted: 2014/12/15

Abstract

During the first to eighth centuries, Islamic city of Jiroft has been one of the strategic, important and great areas in cultural field of Halilrood and Jazmoriyan. Islamic city of Jiroft is located in Kerman province at south-east of Iran and during the Islamic period, it was one of the five county of Kerman province According to the political and geographical division. The extent of dispersion of cultural materials and ruins in this city is representative of its prosperity and importance in Kerman province and its vastness equals to famous cities of that time like Ray, Nishapur, Siraf, Istakhr and Isfahan. The main surface pottery findings at this city are: the pieces of wares with engraved patterns under glaze, Sgraffito, splashed glaze, slip-painted polychrome and monochrome wares, Faience with blue and turquoise and violet glaze, monochrome glaze, moulded design, lustre wares, and wares with Chinese inscriptions. Also many pieces of bricks, glasses, metal works, Beads made of precious stones and stuccos are scattered throughout the city. Also, architecture remains and plazas are recognizable throughout the city based on the surface effects. In excavations at this city by Hamideh Choobak in decades ago a great mosque, markets, one of the Bath houses and industrial workshops has discovered. The purpose of this research is to explain the quality of formation, development, abandonment and destruction of Islamic city of Jiroft during the first to eighth centuries. The main question is what environmental variables have affected formation, development and destruction of ancient city of Jiroft in the first to eighth centuries? Accordingly, the ecological theory proposed by Kenet Watt is considered and role of five variables of material, energy, diversity, space and time in three phases of formation, development and destruction has been studied. The following hypotheses have been made in order to clarify the direction of research: material and space have had the greatest impact on formation and development of Islamic city of Jiroft. Also, space was the main reason for abandonment and destruction of this city. The hypotheses of this